

استرداد سود تحصیل شده توسط ناقض در اثر نقض، ضابطه‌ای برای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری (مطالعه تطبیقی)

محمد عیسائی تفرشی*^۱، محمد شاه محمدی^۲، محمود صادقی^۳

۱. استاد گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۳/۳۰

دریافت: ۹۱/۲/۱۸

چکیده

استرداد سود تحصیل شده توسط ناقض در اثر نقض، روشی برای جبران خسارت وارد به حقوق مالکیت فکری و مبتنی بر قاعده جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه است که از سوی برخی کشورهای پیشرو در زمینه حقوق مالکیت فکری به‌عنوان ضمانت‌اجرای نقض این حقوق، پیش‌بینی شده است.

این ضابطه جبران خسارت، ممکن است از سوی خواهان در کنار ضابطه منفعت تفویت‌شده خواهان یا جایگزین آن مورد مطالبه قرار گیرد و اگر موجب محاسبه مضاعف خسارت نگردد، روش مناسبی برای محاسبه خسارت است.

براساس این ضابطه، خواهان به صرف اثبات معاملات ناقض، مستحق استرداد سود حاصل از آن معاملات خواهد بود؛ مگر این‌که خوانده اثبات کند تمام یا بعض سود حاصل از معاملات مذکور منتسب به عواملی غیر از حق فکری نقض شده است.

در قوانین خاص مالکیت فکری کشورمان، چنین ضابطه‌ای پیش‌بینی نشده است؛ ولی با توجه به پذیرش قاعده منع دارا شدن بلاجهت در فقه و حقوق، از جمله در مبحث استیفا (که براساس آن، اجازه استرداد اموال و دارایی تحصیل شده بلاجهت بدون ارتکاب خطا داده شده) می‌توان نتیجه گرفت زیان‌دیده به طریق اولی می‌تواند منافع تحصیل شده توسط ناقض در اثر نقض حقوق مالکیت فکری (ارتکاب خطا) را مسترد کند.

واژگان کلیدی: استرداد، سود تحصیل‌شده، ناقض، جبران خسارت

۱. مقدمه

جبران خسارت به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای نقض مالکیت فکری، وقتی اثر پیشگیرانه خواهد داشت که مانع از منتفع ماندن ناقض و بقای سود نزد او شود. اشخاص نوعاً با محاسبه سود ممکن‌الحصول ناشی از نقض و میزان خسارتی که در صورت محکومیت، ملزم به پرداخت آن خواهند شد، اقدام به نقض می‌کنند. اگر محاسبات ناقض بیانگر زیادتر بودن سود حاصل از نقض نسبت به مبلغ محکومیت باشد، انگیزه نقض سودجویانه وجود خواهد داشت و بالعکس اگر بداند سود حاصل از نقض، معادل یا کمتر از خسارت موضوع حکم احتمالی است، احتمال نقض به قصد تحصیل سود کاهش می‌یابد.

در کشور انگلیس^۱ مطالبه خسارت ناشی از نقض مالکیت فکری، ممکن است به روش‌های زیر صورت گیرد:

۱-۱. منافع تفویض‌شده دارنده مالکیت فکری در اثر نقض^۲

براساس این ضابطه، دارنده حق در صورت اثبات توان تولید و فروش محصول نقض

۱. همانند حقوق آمریکا، آلمان و فرانسه

2. right holder's lost profits

شده، اثبات میزان سود، فقدان کالای جانشین، و وجود تقاضا در بازار (شروط پاندوئیت) می‌تواند منافع از دست رفته خود را مطالبه کند.

۱-۲. حق الامتیاز متعارف^۱

طبق این ضابطه برای تعیین خسارت، فرض می‌شود که اگر زیان‌دیده در یک مذاکره مفروض به ناقص اجازه بهره‌برداری می‌داد چه مبلغی به‌عنوان حق الامتیاز دریافت می‌کرد. سپس با در نظر گرفتن حق الامتیاز قراردادهای لیسانس مشابه، اقدام به تعیین حق الامتیاز متعارف به‌عنوان خسارت قابل پرداخت به زیان‌دیده می‌کنند.

۱-۳. استرداد سود تحصیل شده توسط ناقص در اثر نقض حقوق

مالکیت فکری

این روش که بررسی آن موضوع این مقاله است در برخی کشورها از جمله انگلیس به‌عنوان روش جایگزین یا مکمل روش‌های قبلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲ با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص اموال و دارایی‌های فکری، ممکن است نقض این حقوق به نحوی باشد که ناقص منتفع شود، در حالی که هیچ خسارتی به منافع موجود دارنده حق وارد نشود و منافع او در اثر نقض، کاسته نگردد؛ زیرا امکان استفاده همزمان چند شخص یا چند نوع استفاده همزمان از اموال فکری وجود دارد. ممکن است اثبات منافع تفویض شده، مقدور نباشد، ولی معاملات انجام شده توسط ناقص و سود حاصل از آن به‌سادگی قابل اثبات باشد. در چنین شرایطی، منطقی نیست که خسارت وارد بی‌جبران بماند.

1. reasonable royalty

۲. شق «ب» بند ۱ ماده ۱۱ «ب» قانون طرح‌های ثبت شده مصوب ۱۹۴۹، بند ۱ ماده ۶۱ قانون حق اختراع مصوب ۱۹۷۷، بند ۲ ماده ۹۶ قانون کپی‌رایت، طرح صنعتی و حق اختراع مصوب ۱۹۸۸ و بند ۱ و ۲ ماده ۱۴ قانون علامت تجاری مصوب ۱۹۹۴.

در برخی پرونده‌ها ممکن است میزان سود تحصیل شده ناقض بیش‌تر از مقدار منافع از دست رفته دارنده حق مالکیت فکری باشد. در این موارد، آیا خواهان می‌تواند خسارت خود را براساس سود کسب شده توسط ناقض در اثر نقض، مطالبه کند؟ چنین دعوایی چه ارکانی دارد؟ اصول حاکم بر این ضابطه جبران خسارت چیست؟ آیا محاکم ایران می‌توانند براساس این ضابطه، حکم به پرداخت خسارت دهند؟

۲. مفهوم، مبنا و ارکان ضابطه استرداد سود تحصیل شده ناقض در حقوق انگلیس

در این بخش، ابتدا مفهوم این ضابطه و سپس مبنا و ارکان آن مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به نحوی که با این توضیحات بتوان راجع به قابل اجرا بودن و نبودن آن در حقوق ایران که چنین ضابطه‌ای پیش‌بینی نشده، اظهار نظر کرد.

۱-۲. مفهوم

این اصطلاح معادل واژه انگلیسی *accounts of defendants profits* به کار می‌رود و بدین معنا است که برای جبران خسارت وارد به دارنده حقوق مالکیت فکری، منافع تحصیل شده ناقض در اثر نقض این حقوق، بدون توجه به میزان خسارت واقعی وارد به خواهان و صرف‌نظر از امکان یا عدم امکان تحصیل و کسب همین منافع توسط او، محاسبه و به خواهان پرداخت شود، یعنی میزان خسارت وارد به خواهان، معادل منافی است که به واسطه نقض، عاید خواننده شده است. بنابراین، خواهان به جای اثبات میزان ضرر وارد به خود باید منافع تحصیل شده توسط خواننده را اثبات کند. دلیل منطقی این روش جبران خسارت، این است که هیچ کس نباید از خطا و رفتار اشتباهش سود ببرد [۱، ص ۴۳۵]. ناقض در اثر استفاده از حق مالکیت فکری دیگران،

منافعی را استیفا می‌کند و سودی را عاید خود می‌سازد که استحقاق آن را ندارد؛ زیرا محصولی را برداشت می‌کند که خود نکاشته است.^۱

در این خصوص گفته شده که خسارت استرداد، پیش‌تر وجود داشته، ولی پشت عناوین دیگر، همچون حق الامتیاز متعارف پنهان بوده است [۲، ص ۲۷].

در توضیح این ضابطه، قاضی «اسلج»^۲ گفته: مقصود از رأی یا دستور محاسبه سود تحصیل شده ناقص به نفع خواهان موفق در دعوی تقلب در عرضه کالا و... این است که از دارا شدن ناعادلانه خواننده جلوگیری شود [۳، ص ۳۴].

این ضابطه صرفاً در مورد خسارت غیرقراردادی اعمال می‌شد تا این‌که در دهه گذشته از سوی مجلس اعیان انگلیس در زمینه نقض قراردادی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۱ ضابطه منافع تحصیل شده ناقص در اثر نقض، از سوی مجلس اعیان برای نقض قرارداد مورد استناد و استفاده قرار گرفت [۴، ص ۶۴۷]. خواننده که عضو پیشین سرویس امنیتی بود به اتهام جاسوسی به ۴۲ سال زندان محکوم گردیده بود. او در سال ۱۹۹۰ خاطراتش را نوشت و برای آن، مبلغ زیادی از ناشر دریافت کرد. او هنگام اشتغال و قبل از ترک کار (فرار)، یک تعهدنامه را امضا کرده بود که اطلاعات رسمی تحصیل شده در طول دوران استخدامی‌اش، چه محرمانه و چه غیرمحرمانه را افشا نکند. دادگاه بدوی چنین استدلال کرد: «اطلاعات اکتسابی خواننده در دوران استخدام که در کتاب خاطرات او افشا شده است، دیگر محرمانه نبوده و هیچ نفع عمومی در جلوگیری از انتشار آن‌ها وجود نداشته است». بنابراین، دعوی خواهان را رد کرد.

پس از اعتراض به رأی دادگاه بدوی و ارجاع پرونده به مجلس اعیان، لرد نیکلاس اعلام کرد: «شرایط استثنایی پرونده، ضابطه محاسبه سود ناقص را توجیه می‌کند». شرایط استثنایی عبارت بودند از:

1. reaps where she has not sown
2. Sladeje

- این حقیقت که هیچ‌یک از سرویس‌های امنیتی با انگیزه مالی تعهدشان را نقض نکنند؛

- بیش‌تر تقاضای خرید کتاب «بلیک»^۱ ناشی از محاسبات و اشاره‌هایش بر روی نقض‌های ابتدایی تعهدش بود؛ یعنی عامل اصلی خرید کتاب، همان اطلاعات افشا شده بود [۵، ص ۱۳۹].

پس از صدور این رأی برای زیان‌دیدگان ناشی از نقض قرارداد، این توقع ایجاد شده که ضابطه سود تحصیل شده می‌تواند به خاطر سایر ضمان‌ها (غیر از مالکیت فکری) نیز موضوع رأی قرار گیرد.

البته از سال ۲۰۰۱ به بعد چنین رأیی صادر نشده است و حتی گفته شده در دو پرونده دیگر که بعد از دعوای «بلیک» مطرح شده، دادگاه مقرر داشته است که ضابطه محاسبه سود ناقض در اثر نقض، در مورد ضمان ناشی از مزاحمت [۶، ص ۱۶۷] و یا ضمان ناشی از نقض مسئولیت قانونی [۷، ص ۱۶۷] نمی‌تواند موضوع رأی قرار بگیرد؛ زیرا این ضابطه در پرونده‌های استثنایی و خاص که سایر طرق جبرانی (دستور موقت و مطالبه خسارت) نامتناسب است، اعمال می‌گردد [۸، ص ۱۴].

۲-۲. اعمال ضابطه در مورد جبران خسارت ناشی از نقض غیر قراردادی

مالکیت فکری

علاوه بر دستور موقت، دو طریق دیگر برای جبران خسارت ناشی از نقض مالکیت صنعتی وجود دارد که توسط خواهان از نظر میزان خسارت (محکوم به) مقایسه شده، سپس یکی از آن‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد. در بیش‌تر دعوای مالکیت صنعتی، ابتدا دادگاه اصل مسئولیت را بررسی می‌کند و در صورت احراز مسئولیت، دستور محاسبه میزان خسارت خواهان یا سود خوانده در اثر نقض (بنا بر تصمیم خواهان) را صادر می‌کند.

1. Blake

انتخاب این روش (ضابطه سود تحصیل شده در اثر نقض) برای خواهان قدری غیرمعمول است؛ زیرا ممکن است مراحل حساب کردن، پیچیده و نتیجه‌اش نامطمئن باشد [۵، ص ۱۳]؛ مضافاً این‌که در برخی موارد، خواهان با انتخاب این ضابطه، امتیازاتی همچون امکان مطالبه خسارات تأدیبی موضوع بند ۲ ماده ۹۷ از قانون کپی‌رایت، طرح صنعتی و حق اختراع ۱۹۸۸ انگلیس را از دست می‌دهد. طبق قوانین موضوعه، ضابطه محاسبه سود ناقص ممکن است به خاطر نقض علامت تجاری، حق اختراع، کپی‌رایت، طرح صنعتی یا حق اجرا موضوع رأی قرار گیرد [۹، ص ۳۴].

۲-۳. مبنای ضابطه استرداد سود تحصیل شده ناقص

از تفسیر حقوقدانان و نظریه قضات که در آرای قضایی انعکاس یافته، استنباط می‌شود که مبنای ضابطه محاسبه سود تحصیل شده ناقص، اصل جلوگیری از دارا شدن بلاجهت است. هر نظام حقوقی پیشرفته متعهد است برای پرونده‌هایی که دارا شدن بلاجهت یا سود بردن ناعادلانه نامیده می‌شوند، طرق و روش‌های جبران پیش‌بینی کند و شخص را از نگهداری پول یا سود گرفته شده از دیگران (شخص یا مال آن‌ها) منع کند؛ زیرا نگهداشتن آن‌ها برخلاف وجدان است [۱۰، ص ۳].

منع استفاده ناعادلانه، «اصلی کلی است که به موجب آن شخص نباید مجاز باشد به طور غیرعادلانه و به زیان شخص دیگر، دارا شود، بلکه باید مال یا منفعی را که تحصیل کرده، در مواردی که عدالت و انصاف اقتضا می‌کند و هنگامی که چنین عملی مستلزم نقض یا نفی حقوق یا مخالفت با نظم عمومی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نباشد مسترد دارد... استفاده ناعادلانه هنگامی تحقق می‌یابد که شخص پول یا منفعی را که بر حسب عدالت و انصاف، متعلق به دیگری است، کسب کرده و نگه می‌دارد. بنابراین، شخصی که مالی را به علت اشتباه در هویت شخص دیگری به او می‌دهد حق دارد به موجب نظریه مذکور، آن را پس بگیرد» [۱۱، ص ۳۷۰].

به روش جبران مبتنی بر اصل منع دارا شدن بلاجهت، روش جبران اعاده‌ای یا استرداد^۱ گفته می‌شود و شامل موارد زیر است:

- اعاده یک مال که ناعادلانه به دست آمده و علت طرح دعوا، دارا شدن خواننده به هزینه خواهان است؛

- اعاده به خاطر خطا که علت طرح دعوا در چنین مواردی، ارتکاب خطا است. هر دو سیستم خسارت اعاده‌ای در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی شناخته شده هستند [۲، ص ۷]. در سال‌های اخیر به طور چشمگیر وجوه تمایز بین اعاده به دلیل دارا شدن بلاجهت و اعاده به خاطر خطا مورد مطالعه قرار گرفته و مشخص شده‌اند [۱۲، ص ۹]. این دو دسته از طریق علت طرح دعوی مربوطه تمییز داده می‌شوند، زیرا در دسته اول، علت طرح دعوا صرف بی دلیل بودن انتقال مالی از دارایی یک شخص به دیگری است؛ در حالی که در دسته دوم علت طرح دعوا تحصیل مال از طریق ارتکاب خطای مدنی است.

۲-۳-۱. استرداد به خاطر دارا شدن بلاجهت^۲

هرکس به هزینه غیر و بدون سبب قانونی دارا شود، ملزم است به اندازه‌ای که ناعادلانه دارا شده، از باب خسارت در حق غیر پرداخت کند، اگرچه دارای حسن‌نیت باشد. او مکلف به استرداد کم‌ترین قیمت (مبلغ) بین آنچه دارا شده یا آنچه دیگری (مالباخته) از دست داده، خواهد بود [۱۳، ص ۱۲۴۷].

موردی که دعوا به خاطر استرداد مالی باشد که طرف بدون سوءنیت و بدون ارتکاب خطا، ولی به هزینه خواهان تحصیل کرده است، مصداق این دسته از دعاوی اعاده‌ای است. به‌عنوان مثال، اگر دارنده ورقه اختراع در اثر یک قرارداد لیسانس بی‌اعتبار، وجوهی را دریافت کرده، مبلغ دریافتی، بی‌جهت وارد دارایی او شده است. نتیجه مناسب در چنین دعاوی، اعاده دارایی کسب شده بلاجهت است. درخصوص

1. restitution

2. restitution of an unjust enrichment

این‌که آیا ماهیت و شرایط مورد نظر مشمول قاعده منع دارا شدن بلاجهت می‌گردد یا خیر و برای تجزیه و تحلیل آن، روش چهار سؤالی مطرح شده است: آیا خواننده منتفع شده است؟ آیا این نفع به هزینه خواهان بوده است؟ آیا این دارا شدن نا عادلانه بوده است؟ آیا دفاعی قانونی در مقابل چنین دعوایی وجود دارد [۲، ص ۲۷].

۲-۳-۲. استرداد به خاطر ارتکاب یک خطا

این‌گونه خسارات اعاده‌ای تاکنون موجود بوده، ولی پشت عناوین دیگری همچون حق‌الامتیاز متعارف پنهان بوده است [۱۴، ص ۷]؛ ولی امروزه برخی دعاوی‌ای که علت اقامه آن‌ها ارتکاب خطای مدنی (از قبیل نقض قرارداد، مسئولیت مدنی قهری، و نقض وظیفه اعتماد) از سوی خواننده علیه خواهان است، منتهی به صدور حکم اعاده می‌گردد. در این دعاوی، تمرکز بر امور متفاوتی است. بحث اصلی این نیست که علت و سببی برای طرح دعوا وجود دارد، بلکه این است که آیا خواهان به جای طرح دعوی مطالبه غرامت به خاطر خطای مدنی، مستحق اعاده همه یا مقداری از سود تحصیلی ناقض در اثر نقض است یا خیر؟

دعوی مطالبه منافع ایجاد شده توسط نقض کننده قرارداد- که نخست در پرونده «دادستانی علیه بلیک»^۱ پذیرفته شد- دعوی اعاده به خاطر خطا (نقض قرارداد) است [۱۴، ص ۱۰].

در این دعاوی، خواهان باید اثبات کند که خواننده علیه او مرتکب یک خطای مدنی (مثل شبه‌جرم، نقض قرارداد یا خطای منصفانه) شده است. این موضوع که آیا سبب طرح دعوا موجود است یا خیر، اهمیت ندارد، بلکه مهم این است که آیا خواهان به جای اقامه دعوا برای غرامت و خسارت ناشی از خطای مدنی، مستحق مطالبه تمام یا بعض منافع تحصیل شده توسط خطاکار در اثر خطا است یا نه؟ در این‌جا اثبات دارا شدن به‌عنوان یکی از اسباب طرح دعوا مطرح نیست، بلکه به طریق جبران خسارتی ارتباط

1. Attorney General v. Blake

دارد که خواهان ممکن است به خاطر خطایی که مبنای طرح دعوا قرار گرفته، استحقاق اعاده را داشته باشد [۲، ص ۶۲۱].

۲-۴. ارکان ضابطه استرداد سود تحصیل شده توسط ناقض در اثر نقض

اثبات موارد زیر برای طرح دعوای موفقیت آمیز براساس این ضابطه ضروری است:

۲-۴-۱. نقض حق مالکیت فکری در اثر خطای مدنی (تقصیر)

گفتیم که اعمال این ضابطه، به خاطر ارتکاب خطای مدنی است. لذا این سؤال مطرح می شود که منظور از خطای مدنی چیست؟ بدیهی است از نظر حقوقی، فعل و عمل قابل سرزنش با ارتکاب خطا مساوی نیست. اگر چنین بود بسیاری از ضمان ها به عنوان نمونه نقض قرارداد و نقض وظیفه ناشی از اعتماد (ید امانی) نمی توانستند به عنوان خطا تلقی گردند، زیرا مبنای این مسؤلیت ها، مطلق است و در نتیجه همیشه قابل سرزنش نیستند [۲، ص ۶۲۲].

خطا، نقض وظیفه یا حق قانونی دیگران است و خطای مدنی، نقض عهد غیرجزایی از قبیل ضمان ناشی از نقض قرارداد، اعتماد، وظیفه قانونی و یا نقض در اجرای وظیفه عمومی است که به عنوان موضوع اصلی یک دعوای مدنی تلقی شده است [۱۵، ص ۱۶۴] که در واقع، به معنای تقصیر در حقوق ایران است.

گفته شده خطا رفتاری است که اثرش به عنوان نقض وظیفه قابل استناد است. اعاده براساس دارا شدن ناعادلانه، نیازی به اثبات وظیفه ابتدایی و نقض آن ندارد؛ در حالی که اعاده به خاطر خطا دقیقاً مرتبط با نقض یک تعهد اولیه است، به نحوی که در تشخیص آن ها گفته شده: وظیفه جبران خسارت در موارد ضمان، از نقض یک وظیفه ابتدایی سرچشمه می گیرد، در حالی که در مورد دارا شدن ناعادلانه چنین نیست [۲، ص ۶۲۲].

خطاهای مدنی دو گروهند: ۱) خطای مدنی کامن لا (شامل ضمان ها و نقض قرارداد)؛

و ۲) خطای منصفانه (شامل نقض وظیفه اعتمادی، نقض محرمانگی، تحصیل مال به صورت غیرصادقانه، یا معاونت در نقض وظیفه اعتماد) که با مصادیق اعاده دسته اول (اکراه، اشتباه، اجبار و...) متفاوتند.

نقش تقصیر در مسئولیت ناشی از نقض اموال فکری یکسان نیست و می‌توان براساس ضرورت یا عدم ضرورت احراز تقصیر، آن‌ها را به دو بخش تقسیم کرد:

- مسئولیت ناشی از نقض بخشی از اموال فکری مطلق و اثبات تقصیر ضرورت ندارد: در نقض ابتدایی طرح صنعتی، نقض حق مالی اجرا و کپی‌رایت، ممکن است اعمال ضابطه محاسبه سود ناقص بر مبنای مسئولیت مطلق مورد حکم قرار گیرد؛ یعنی خواننده نمی‌تواند ادعا کند که نمی‌دانسته و دلیلی نداشته که باور کند کالای موضوع دعوا مشمول حق مؤلف و مصنف بوده یا واجد حق طرح صنعتی مورد ادعا در پرونده بوده است [۹، ص ۳۴]. نظریه مسئولیت مطلق در مورد مسئولیت اعاده، ناشی از نقض سایر اموال نیز قابل اعمال است؛ هرچند بند ۱ ماده ۹ قانون طرح‌های صنعتی ۱۹۴۹ حکمی مغایر را بیان می‌کند.

- در بیشتر مواردی که قانون، اعمال ضابطه اعاده را پیش‌بینی کرده، اثبات آگاهی و علم ناقص به حقوق مالکیت صنعتی یا وجود شرایط و دلایلی معقول برای دانستن او را ضروری دانسته است. اگر این آگاهی اثبات نگردد و یا در برخی موارد چنانچه خلاف آن از سوی خواننده اثبات شود، مسئولیتی متوجه خواننده نیست.

۲-۴-۲. منتفع (دارا) شدن خواننده

در این خصوص گفته شده که شخصی که نفعی قابل ارزیابی به پول ببرد، دارا شده است، خواه این نفع، مقداری پول و ارزش مالی باشد و خواه نفع معنوی و ناشی از کار دیگری [۱۶، ص ۲۱۳]. دارا شدن ممکن است به صورت مثبت یا منفی باشد:

- دارا شدن مثبت، مثل این‌که مالی را دریافت کند که قابل تقویم به پول است؛ مانند رسید پول، سند زمین یا کالا یا حق شخصی برای پرداخت یک دین.

- دارا شدن منفی: شامل مواردی است که هزینه‌هایی را که او باید به طور متعارف و معقول پرداخت می‌کرده، نپردازد و اندوخته کند، یعنی از دارایی منفی و بدهی او کاسته شود؛ مثل ابرا شدن از تعهد یا دین توسط دیگری. اگرچه این موارد منافع قابل تقویم به پول را تشکیل نمی‌دهند، ولی قابل ارزشگذاری هستند. به‌عنوان مثال، نپرداختن (و اندوختن) ۱۰۰ پوند هزینه، به اندازه یک چک یا رسید قابل تبدیل به پول ۱۰۰ پوندی ارزشمند است.

در موردی که یک کنسرت ارائه می‌گردد، یک کتاب نوشته می‌شود یا یک خانه احداث می‌گردد، می‌توان گفت که خواننده از خدمات خواهان منتفع گردیده است. بین خدماتی که منتهی به یک کالا و محصول عینی گردد، مثل احداث ساختمان، و خدماتی که چنین نتیجه‌ای نداشته باشد، تفاوت زیادی قائل شده‌اند و گفته شده که دومی از موارد جبران اعاده است و حتی در مورد اول نیز گفته شده که خدمات باید براساس نتیجه حاصل شده ارزیابی گردد؛ یعنی مبلغ قابل استرداد براساس ارزش کالا یا محصول نهایی به وجود آمده ارزیابی می‌گردد، نه براساس ارزش خدمات مصرف شده و نیروی کار تلف شده.

۲-۴-۳. رابطه سببیت بین نقض حق مالکیت فکری و سود تحصیل شده توسط ناقض
در ضابطه استرداد سود تحصیل شده ناقض، وجود رابطه سببیت بین سود تحصیل شده و خطا، یکی از شرایط پذیرش دعوا است؛ یعنی خواهان منافعی را می‌تواند استرداد کند که خواننده در اثر استفاده از حقوق مالکیت فکری او، بدون رضایتش (خطا) به دست آورده است؛ در حالی که معنای رابطه سببیت در اعاده به جهت دارا شدن بلاجهت، وجود رابطه بین کاسته شدن از دارایی خواهان و افزوده شدن بر دارایی خواننده است.

رابطه سببیت، پیش شرط طرح دعوای اعاده به خاطر خطا است؛ یعنی خطا باید علت واقعی و مسلم منفعت تحصیل شده توسط خواننده باشد. اگر خواننده همان سود را

بدون ارتکاب خطا تحصیل کرده بود، توجیهی برای طریق جبران خسارت اعاده‌ای وجود نداشت؛ اما همانند پرداخت خسارت به خاطر ضرر، ممکن است استثنائاتی بر آن وارد باشد؛ مثل جایی که خواننده بیش‌تر از یک خطا مرتکب شده و هریک از آن خطاها برای به وجود آمدن منفعت اکتسابی او کافی است.

برخی موضوعات مطرح شده در مبحث سببیت، از جمله مبلغ قابل استرداد به خاطر خطا و این موضوع که باید بابت مهارت و تلاش خواننده مبلغی به او داده شود، بهترین نظرهای مربوط به سببیت و دوری منافع است. یعنی خواننده برای نگه داشتن بخشی از سود باید ثابت کند بین منافع و مهارت و تلاشش رابطه سببیت وجود دارد.

۳. ضابطه استرداد سود تحصیل شده توسط ناقض و قواعد

مشابه در حقوق ایران

هیچ‌یک از قوانین و مقررات مالکیت فکری کشورمان، به صورت صریح یا حتی ضمنی به ضابطه مذکور اشاره نکرده‌اند. به همین دلیل گفته شده: «چون در حقوق ایران راهکار مطالبه سود تحصیل شده ناقض پیش‌بینی نشده است باید با همان روش مرسوم (محاسبه خسارت خواهان) زیان وارد جبران شود» [۱۷، ص ۲۷۴]. با تعیین و بررسی مبنای این ضابطه، ممکن است بتوان احکام مشابه آن را در حقوق ایران یافت و در مواردی که منع صریح قانونی نباشد، از آن به‌عنوان ضابطه جبران خسارت استفاده کرد؛ همان‌گونه که برخی نویسندگان، اجرای قاعده منع دارا شدن بلاجهت را به‌عنوان طریق جبران، قابل اعمال دانسته‌اند [۱۸، ص ۳۲۳؛ ۱۶، ص ۱۹۶].

۳-۱. قاعده منع دارا شدن بلاجهت در حقوق ایران

در تعریف این قاعده که در متون حقوقی تحت سه عنوان مختلف (منع اکل مال به باطل، منع دارا شدن غیرعادلانه و منع دارا شدن بلاجهت) آمده، گفته شده: «استفاده بلاجهت

آن است که شخص بدون یک علت قانونی یا قراردادی به زیان دیگری دارا شود و به تعبیر دیگر، به دارایی شخصی به طور غیرعادلانه و بدون این که مبنای قانونی یا قراردادی وجود داشته باشد، به زیان دیگری افزوده شود که در این صورت بر طبق عدالت و انصاف و براساس قاعده‌ای که در اکثر کشورها پذیرفته شده است، استفاده‌کننده باید عین مال را که از این طریق به دست آورده یا بدل آن را به زیان‌دیده برگرداند» [۱۹، ص ۳۷۰].

۲-۳. مصادیق اعمال قاعده «منع دارا شدن بلاجهت» در حقوق ایران

۱- اعمال قاعده منع دارا شدن بلاجهت در مواردی که شخص دارا شده، مرتکب هیچ تقصیر و خطایی نشده است.

دعوی استرداد به استناد قاعده استفاده بلاجهت، متمایز از دعوی مسؤولیت مدنی است؛ زیرا: اولاً مسؤولیت مدنی مقوله‌ای جداگانه است و در اکثر کشورهای جهان مبتنی بر تقصیر است، در حالی که در استفاده بلاجهت چنین شرطی مطرح نیست، نه از سوی متعهد و نه از سوی متعهدله. ثانیاً در استفاده بلاجهت، استفاده‌کننده فقط تا حدی که به دارایی او افزوده شده ضامن است، در حالی که در مسؤولیت مدنی، تمام خسارات باید جبران شود [۱۹، ص ۳۷۳]. ماده ۳۱۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر وجه برات یا فته‌طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج‌ساله مطالبه کرد، دارنده برات یا فته‌طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله، وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است، مطالبه نماید.

تبصره: حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته‌طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد».

بیش‌تر مصادیق این قاعده در حقوق ایران (از جمله مواد ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی) مشمول این بخش هستند.

۲- اعمال قاعده منع دارا شدن بلاجهت در مورد خطا: هیچ‌یک از قوانین جاری

کشور، اعمال این ضابطه را درمورد خطا پیش‌بینی نکرده است. برخی حقوقدانان استفاده بلاجهت را به دلیل فقدان شرط تقصیر از مسؤلیت مدنی تفکیک کرده‌اند [۱۹، ص ۳۷۰]؛ یعنی معتقدند که این ضابطه اختصاص به مواردی دارد که خوانده، مرتکب تقصیری نشده است. ولی به نظر می‌رسد، این قاعده در مواردی که خوانده، مرتکب تقصیر شده نیز قابل اعمال است؛ زیرا تفاوت استیفای مشروع با استیفای نامشروع در استفاده با اذن و اجازه است. هرگاه اذن یا اجازه موجود باشد، استیفا مشروع است وگرنه نامشروع محسوب می‌شود. وقتی پذیرفتیم که اعمال این قاعده درباره استیفای مشروع ممکن است، در مواردی که استیفا نامشروع و بدون اذن مالک بوده، به طریق اولی این قاعده قابل اعمال خواهد بود.

دلایل و مستندات ضمان در این‌جا عیناً همان مستندات استفاده مشروع است. برای احراز حرمت و ضمان استفاده نامشروع، فقها تقریباً به همان آیات و احادیث متوسل شده‌اند. مستند استفاده نامشروع در قانون مدنی نیز همان ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ است که به صورت مطلق بیان شده‌اند. پس این مواد شامل استیفای نامشروع هم می‌شود و چنانچه استفاده از عمل یا مال دیگری از طریق اجبار و اکراه و امثال آن باشد باز هم استفاده‌کننده، ضامن است. این نتیجه از قاعده اولویت فهمیده می‌شود؛ یعنی کسی که برای استفاده مشروع، مسؤول است به طریق اولی برای استفاده نامشروع نیز مسؤول خواهد بود [۱۸، ص ۳۲۳].

در این خصوص گفته شده که مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی مفهومی محدود از استیفا را بیان می‌کنند. از نظر انصاف، تفاوت نمی‌کند که استفاده ناروا به امر یا اراده استفاده‌کننده انجام شود یا در نتیجه اقدام شخص ثالث یا حادثه خارجی. آنچه در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد بر هم خوردن تعادل بین دارایی‌ها و به‌ویژه جبران وضع ناهنجار کسی است که به زیان او، استفاده صورت پذیرفته و از این دیدگاه، اهمیتی ندارد که آیا در راه استفاده ناحق، خطایی تحقق یافته یا اعمال ارتكابی مشروع بوده است و نیز اهمیتی ندارد که وسیله بهره‌برداری، شخص استفاده‌کننده باشد یا

دیگری [۱۶، ص ۱۹۶]. طبق این نظر، اولاً خطا هیچ نقشی در اعمال یا عدم اعمال قاعده ندارد. ثانیاً قاعده مختص موردی است که ارزش از یک دارایی به دارایی دیگر منتقل شده، بدون این که جهت قانونی وجود داشته باشد.

خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء می فرماید: «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارت عن تراض منکم»؛ یعنی اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر این که به تراضی و در نتیجه تجارت باشد. از مجموع دو بخش این آیه به خوبی بر می آید که توزیع ثروت و جابه جایی اموال از یک دارایی به دارایی دیگر باید از راه مشروع و اسباب قانونی صورت پذیرد و نمی توان مال دیگری را به باطل خورد و به هزینه او ثروتمند شد [۱۶، ص ۱۹۴].

در مورد مبنای این قاعده، نظرهای مختلفی ارائه شده است [۱۶، ص ۱۹۴] که انتخاب هر یک می تواند آثار متفاوتی بر جا گذارد. برای اعمال قاعده منع دارا شدن بلاجهت، شرایطی مطرح گردیده که فقط به ذکر آن ها بسنده می شود:

- دارا شدن خواننده،

- کاستن از دارایی خواهان،

- وجود ارتباط میان کاسته شدن از دارایی خواهان و افزوده شدن بر دارایی خواننده،

- فقدان سبب قانونی برای انتقال ارزش و دارایی از خواهان به خواننده،

- نوعی بودن دعوا.

برخی موجود بودن دارایی کسب شده را برای اجرای این قاعده ضروری دانسته و گفته اند: «دارا شدن» خواننده دعوا باید پیش از دعوا تحقق یافته و از بین نرفته باشد، [۱۶، ص ۲۱۵]، در حالی که هیچ دلیلی بر آن ارائه نکرده اند؛ زیرا صرف تحصیل دارایی و نفع کافی است که دارا شدن بلاجهت محقق گردد و قاعده منع جاری شود. برای طرح چنین دعوایی ضرورت ندارد که دارایی کسب شده باقی و از بین نرفته باشد، یعنی اگر او مالی را که متعلق به دیگری است حفظ نکند و آن مال از بین برود، مسؤول است. در

تأیید این نظر می‌توان گفت: خواهان نباید هزینه بی‌کفایتی خوانده را بپردازد. ید ناقض نسبت به منافع حاصل از نقض حق مالکیت صنعتی دیگران، امانی نیست تا در صورت از بین رفتن منافع (با فرض عدم تقصیر)، رافع مسئولیت او گردد. در مورد زمان ارزیابی سود و نفع تحصیل شده، نظرهای مختلفی قابل طرح است؛ از جمله ملاک ارزیابی، زمان استفاده از منافع دانسته شده، نه زمان طرح دعوا [۸۱، ص ۳۲۵].

اگرچه در قوانین موجود، بجز در ماده ۳۱۹ قانون تجارت، هیچ‌یک از قواعد مذکور به عمل نیامده، اما مباحث مختلف قانون مدنی، از جمله مواد ۳۳۶، ۳۳۷، ۲۶۵، ۳۰۲، ۳۰۳ و ۳۰۶ مصادیق قطعی این قاعده‌اند و بیانگر ضمان ناشی از دارا شدن بلاجهت بدون تقصیر هستند که دلیل بر پذیرش قاعده مذکور است.

هیچ‌یک از مواد قانون مدنی، قوانین خاص مالکیت فکری، و سایر قوانین جاری کشور، اشاره‌ای به ضابطه سود تحصیل شده ناقض نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این ضابطه در حقوق ایران قابل استناد است؛ زیرا:

اولاً منع دارا شدن بلاجهت، قاعده است؛

ثانیاً ضابطه سود تحصیل شده، ناقض یک مصداق از قاعده مذکور است؛

ثالثاً دلیلی بر عدم اعمال آن وجود ندارد؛

رابعاً در خصوص ضمان ناشی از دارا شدن بلاجهت ناشی از خطا و تقصیر می‌توان به استناد قاعده اولویت گفت که به طریق اولی این‌گونه موارد هم ضمان آور است و خطاکار، مکلف به استرداد دارایی ایجاد شده است؛

خامساً وقتی قاعده‌ای وجود دارد در صورت تردید به قاعده مراجعه می‌شود و براساس آن عمل می‌گردد.

۳-۳. بررسی ضابطه براساس نظریه معامله فضولی یا نمایندگی

برخی از حقوقدانان خارجی در مورد مبنای استرداد منافع تحصیل شده ناقض در اثر

نقض حق مالکیت فکری، نظرهایی به شرح زیر بیان کرده اند:
در آلمان، ضابطه مذکور بر مبنای این فرض قانونی نهاده شده است که «استفاده ناقض از حق اختراع دیگران به معنای تقبل و پذیرش انجام تجارت از سوی دارنده حق اختراع است». به همین دلیل، نظام حقوقی این کشور اجازه می‌دهد که بابت تخصص، مهارت، نیروی کار و مخارج صورت گرفته از سوی ناقض در تجارت و بازاریابی کالاهای ناقض، مبلغی در نظر گرفته شود و از سود ناخالص کسر گردد [۲۰، ص ۱۰].
جنیفر دیویس، نویسنده انگلیسی می‌گوید: «در این روش چنین فرض شده است که ناقض، تجارتش را از جانب خواهان انجام داده و منافی ایجاد کرده است» [۵، ص ۱۴].
همچنین در جای دیگر برای زیان‌دیده اعتبار مالکیت بر منافع قائل شده و گفته‌اند: طبق این ضابطه، گویی خطاکار، امین و حافظ قانونی^۱ منافع تحصیل شده در اثر نقض است [۲، ص ۶۲۷].

با تأملی در این نظریه‌ها و دقت در مواد قانونی، چنین به نظر می‌رسد که این ضابطه براساس نهاد اداره فصولی مال غیر، عقد فضولی و نمایندگی قابل توجیه باشد؛ زیرا وقتی خواهان، استرداد تمام منافع حاصل از نقض را مطالبه می‌کند گویی اقدامات فضولی او را تنفیذ کرده، به او نمایندگی داده و در عوض، استحقاق مطالبه منافع را پیدا کرده است.

آثار پذیرش این نظر به شرح زیر است:

- دارنده مالکیت صنعتی پس از تنفیذ اقدامات فضولی ناقض، تبعات مثبت و منفی آن اموال را پذیرفته است. لذا اگر ناقض در اثر معاملات، ضرری متحمل شده باشد، این ضرر بر عهده دارنده (خواهان) قرار خواهد گرفت و خواهان نمی‌تواند میزان آن را از خواننده مطالبه کند.

- چون اقدامات فضولی و ناقض در حکم اقدامات وکیل و نماینده است، هزینه‌های مربوط و مخارجی که ناقض برای تحصیل آن مقدار منافع متحمل شده است باید از

1. constructive trustee

میزان منافع قابل استرداد کسر شود.

البته ایراداتی نیز به شرح زیر بر این نظر وارد است:

- اگر این نظر را بپذیریم چنانچه پس از طرح دعوا و تنفیذ معامله، اثبات یا احراز گردد که ناقض از محل فروش‌های ناقض متضرر شده است، این ضررها را باید به حساب اصیل گذاشت؛ در حالی که در حقوق خارجی گفته شده که ضابطه مذکور، استرداد سود تحصیل شده ناقض است و هیچ‌گاه به نتیجه منفی بر ضرر خواهان (دارنده حقوق مالکیت فکری) منتهی نخواهد شد.

- تنفیذ معامله فضولی در صورتی معتبر است که مسبوق به رد نباشد^۱ و رد ممکن است به لفظ یا به فعل یا هر طریق قابل اثبات دیگر اعلام گردد.^۲ وقتی دارنده حق مالکیت صنعتی، مبادرت به طرح شکایت یا اقامه دعوا می‌کند، رفتار او، رد عملی است. در این صورت نمی‌توان اقدام دارنده حق را برای مطالبه منافع تحصیل شده توسط ناقض، تنفیذ تلقی کرد.

این ایراد بیش‌تر در حقوق انگلیس و آمریکا قابل طرح است؛ زیرا محاکم کشورهای مذکور در دو مرحله جداگانه به دادرسی می‌پردازند: در مرحله اول بررسی می‌کنند که آیا نقض واقع شده است یا خیر و در مرحله دوم، یعنی پس از اثبات نقض، موضوع تعیین خسارت یا سود قابل پرداخت را مورد رسیدگی قرار می‌دهند؛ در حالی که در حقوق ایران، جهت دعوا باید در همان زمان تقدیم دادخواست تعیین گردد و دادگاه نیز وجود تقصیر و نقض را به‌عنوان یکی از مقدمات پذیرش ادعا و صدور حکم به صورت هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌دهد.

- تنفیذ به اعمال حقوقی اختصاص دارد و شامل اعمال مادی و غیرحقوقی نمی‌شود.

- تنفیذ اعمال فضولی در واقع تنفیذ عمل حقوقی انجام شده توسط فضول است و

قصد مجیز، چیزی جز این نیست و قصد تنفیذ نمایندگی فضولی را ندارد [۲۰، ص ۲۱۳].

۱. ماده ۲۵۰ قانون مدنی.

۲. ماده ۲۵۱ قانون مدنی.

با توضیحات فوق مشخص می‌گردد که هیچ‌یک از نهادهای مذکور نمی‌تواند توجیه‌کننده این ضابطه باشد و نزدیک‌ترین نهاد حقوقی در ایران که بیش‌ترین شباهت را با ضابطه مذکور دارد استیفای نامشروع است.

۴. اصول حاکم بر ضابطه

قاضی لادیه^۱ برخی از اصول قابل اعمال در ضابطه محاسبه سود ناقض را به شرح زیر بیان کرده است:

الف. اگر متهم چند کار و تجارت انجام می‌دهد یا محصولات گوناگونی می‌فروشد که فقط یکی از آن‌ها ناقض حق مالکیت فکری خواهان است، ضابطه «استرداد منافع تحصیل شده در اثر نقض» صرفاً در مورد منافع تحصیل شده از طریق فروش کالای ناقض، اجرا می‌گردد.

ب. امکان تحصیل برخی از منافع ایجاد شده در اثر نقض حق مالکیت فکری خواهان، از طریق غیرناقض در میزان منافع قابل استرداد تأثیری ندارد و موجب کاهش آن نخواهد شد.

به‌عنوان مثال، اگر خواننده اثبات کند که با استفاده از حق اختراع دیگری که متعلق به خود او است یا اجازه قانونی بهره‌برداری از آن را دارد، می‌توانسته همین مقدار سود یا بخش عمده‌ای از آن را به دست آورد از میزان منافع قابل استرداد نخواهد کاست [۵، ص ۱۴].

ج. خواهان باید براساس وضعیت موجود خواننده، سود تحصیل شده توسط او را مطالبه کند؛ یعنی همان مقدار منافی را که نزد او یافته است مطالبه کند. زمانی که خواهان براساس این ضابطه، اقدام به طرح دعوا می‌کند نمی‌تواند بر این اساس که خواننده باید سود بیش‌تری تولید می‌کرد، صدور حکم به مبلغی بیش‌تر از مقدار سود تحصیل شده را درخواست کند.

1. Laddie

د. اگرچه ممکن است ضابطه محاسبه سود ناقص، مبلغ و عددی بسیار متفاوت نسبت به خسارت برآورد شده براساس ضابطه تفویض منفعت به دست دهد، اما از نظر تبعیت هر دو ضابطه از مبانی سببیت قانونی، مشترک هستند؛ یعنی بین منافع تفویض شده خواهان و نقض در ضابطه تفویض منفعت خواهان و بین منافع تحصیل شده توسط خواننده و نقض حق مالکیت فکری (خطا) خواهان، باید رابطه سببیت وجود داشته باشد. ه. اگر فقط بخشی از کالا ناقص است، خواهان صرفاً مستحق دریافت منافی است که به واسطه استفاده از اختراع او تحصیل شده است. اگر یک کالا واجد بیش از یک قطعه باشد یا دارای قطعات زیادی است که تنها بخشی از قطعات ناقص و بقیه غیرناقص هستند، خواهان استحقاق مطالبه منافع متناسب به همان بخش و قطعات ناقص را خواهد داشت.

و. روش تقسیم‌بندی سود در جایی مناسب است که ساخت کالا چند مرحله‌ای و هر مرحله تحت پوشش یک حق است. در این صورت، سود بین این مراحل تقسیم می‌گردد. در غیر این صورت، تقسیم‌بندی منافع ممکن نیست؛ زیرا همان‌گونه که قاضی لادیه در این خصوص گفته: هیچ سهمی برای ناقص به خاطر تولید کالای نقض‌کننده متصور نیست؛ زیرا او نمی‌توانست بدون استفاده از اطلاعات محرمانگی، کالای ناقص را تولید کند [۲۱، ص ۴۵۹].

ز. دادگاه برای ملزم ساختن خواننده به پرداخت خسارت تنبیهی نمی‌تواند در جمع‌آوری ادله مداخله کند و اگر اطلاعات و ادله کافی در اختیار دادگاه قرار نگیرد نمی‌تواند بدون مبنا و دلیل کافی و صرفاً براساس یک رابطه سببیت جزئی و ضعیف مبادرت به صدور حکم نماید.

ح. براساس اصول حسابداری، فرض می‌شود منافع مراحل مختلف پروژه، متناسب با هزینه‌ها و مخارج^۱ قابل انتساب به همان بخش است، مگر این‌که دلایل خاص دیگری برخلاف آن موجود باشد.

1. costs and expenses

ط. کاستنی‌های قابل قبول از ارقام کلی سود تحصیل شده ناقض عبارتند از: هزینه‌های قانونی، هزینه‌های تحقیق و توسعه (مگر این‌که بسیار زیاد و نامتوازن باشد)، هزینه‌های تأمین سرمایه و مالیات‌های پرداخت شده خوانده به خاطر امتیازات بعدی، و اعتبار ناشی از هر مالیات پرداخت شده.

طبق این ضابطه، خوانده نمی‌تواند به عدم توانایی خواهان در ایجاد منافع موضوع پرونده استناد کند. یکی دیگر از تفاوت‌های این ضابطه با ضابطه منافع تقویت‌شده مالک در همین اصل است؛ زیرا توانایی یا عدم توانایی خواهان در ایجاد همان نفع، تأثیری در میزان منافع تحصیل شده قابل استرداد ندارد؛ در حالی که طبق شرط اول مطروح در پرونده پاندویت، دارنده مالکیت صنعتی، زمانی می‌تواند به خاطر فروش‌های از دست رفته طبق ضابطه منافع تقویت شده، مطالبه خسارت کند که ثابت کند توان تولید کالا و فروش آن را در بازار داشته است.

۵. مقایسه ضابطه در حقوق ایران و انگلیس

بررسی و مطالعات انجام شده در هر دو نظام حقوقی، بیانگر وجوه افتراق و اشتراک بین آن‌ها در زمینه این ضابطه است.

مبنای ضابطه مذکور، قاعده منع دارا شدن بلاجهت است که هر دو نظام حقوقی، مصادیقی از آن را پذیرفته و در قانون پیش‌بینی کرده‌اند و به آن عمل می‌کنند. رویه قضایی انگلیس نه‌تنها این ضابطه را پذیرفته و به آن عمل می‌کند، بلکه وجوه مختلف ضابطه مذکور را که در هیچ قانونی تعریف و تشریح نشده، مشخص کرده است.

- «ضابطه سود تحصیل شده ناقض» در قوانین خاص مالکیت فکری انگلیس تصریح شده است؛ ولی هیچ‌یک از قوانین مالکیت فکری در ایران به این ضابطه اشاره نکرده است.

- برخلاف انگلیس که مقررات تریپس را امضا کرده و عضو سازمان تجارت جهانی است، ایران نه عضو این سازمان است و نه مقررات تریپس را امضا کرده و پس از

درخواست‌های مکرر، صرفاً به‌عنوان عضو ناظر در جلسات شرکت می‌کند. بنابراین، مقررات غیرالزام‌آور مندرج در بند ۲ ماده ۴۵ درخصوص استرداد منافع در حقوق ایران قابل استناد نیست.

- در حقوق انگلیس، هر دو دسته دعاوی استرداد (به خاطر دارا شدن بلاجهت و خطا) پذیرفته شده، در حالی که در قوانین و مقررات داخلی کشورمان صرفاً اعاده نوع اول (به خاطر انتقال ارزش و دارایی) پیش‌بینی شده است و برای اعاده به خاطر خطا باید از قاعده اولویت کمک گرفت.

با توجه به وجه اشتراک دو نظام حقوقی در مبنای ضابطه مذکور، به نظر می‌رسد این ضابطه در کشورمان قابل اعمال باشد؛ زیرا:

اولاً «منع دارا شدن بلاجهت»، یک قاعده است و در موارد تردید به قاعده عمل می‌شود؛ برخلاف استثنا که باید تفسیر مضیق گردد و اعمال آن نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

ثانیاً این قاعده در مواد مختلف قانون مدنی و قانون تجارت پیش‌بینی شده است. البته هرچند تمامی آن‌ها مواردی هستند که خوانده (شخص دارا شده) مرتکب خطایی نشده، اما با استناد به قاعده اولویت می‌توان گفت: وقتی کسی که بدون تقصیر و خطا از مال دیگری منتفع و دارا شده مکلف به استرداد آن است، به طریق اولی اگر دارایی تحصیل شده (استیفا) ناشی از خطا باشد، مکلف به استرداد خواهد بود.

ثالثاً برخلاف اموال مادی، آفرینش‌های فکری، قابلیت چند بهره‌برداری مختلف را در آن واحد دارند. بنابراین، در جایی استیفا و بهره‌برداری از آفرینش فکری دارنده، بدون اذن و رضایت او قابل تصور است که هیچ ضرر قابل جبرانی (طبق مقررات قانونی) به دارنده آن وارد نگردد. در این صورت آیا می‌توان اقدام ناقض را در نقض حق قانونی دارنده، نادیده گرفت و با این استدلال که چون استفاده ناقض هیچ خسارتی به دارنده وارد نکرده است، گفت که ناقض مسؤولیتی ندارد؟

پذیرش این استدلال و نظریه به معنای تجویز نقض حقوق مالکیت صنعتی است که با اهداف قانونگذار در حمایت از این آفرینش‌ها تعارض دارد.

رابعاً در هیچ‌یک از قوانین کشورمان، اعمال این ضابطه منع نگردیده است.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص حقوق مالکیت فکری، انتفاع همزمان چند شخص یا چند نوع انتفاع همزمان یک یا چند شخص از آن ممکن است. به همین علت، فروضی قابل تصور است که اشخاص ثالث بدون اجازه دارنده، از حق او بهره‌برداری کرده‌اند، ولی ضرری که مشمول ضابطه تفویت منفعت گردد ایجاد نکرده‌اند؛ در حالی که ناقض در اثر نقض این حقوق، مبالغ معتنابهی سود تحصیل کرده است. در چنین شرایطی، عدالت و انصاف اقتضا دارد که ناقض در مقابل دارنده حق، پاسخگو باشد.

در حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا ضابطه «استرداد سود تحصیل شده ناقض در اثر نقض» بر مبنای قاعده منع دارا شدن بلاجهت، پیش‌بینی شده است. با توجه به تصریح قانونگذار کشورمان بر قابل استرداد بودن دارایی بلاجهتی که برای خوانده بی‌تقصیر ایجاد شده، به طریق اولی باید منافی که ناقض در اثر خطا تحصیل کرده، قابل استرداد باشد.^۱

ضروری است قانونگذار در حمایت از حقوق مالکیت فکری و به منظور جلوگیری از سوءاستفاده ناقضان این حقوق، ضابطه سود تحصیل شده ناقض را وارد قانون کند تا ناقض نتواند با استفاده از خلأ قانونی با بهره‌برداری غیرمجاز از حق مالکیت فکری دیگران بر دارایی خود بیفزاید. برای جلوگیری از سوءاستفاده دارنده حق نیز از این ضابطه باید شروطی را در قانون لحاظ کرد که پیش‌بینی کسر هزینه‌ها و اجرت متعارف برای مهارت و تلاش ناقض از جمله آن‌ها است.

پیشنهاد می‌گردد این ضابطه به شرح تبصره زیر در ذیل ماده قانونی مربوط به جبران خسارت اضافه گردد:

تبصره: دارنده حق نقض شده می‌تواند به جای مطالبه خسارت براساس ضابطه منافع

۱. شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران طبق رأی شماره ۱۲۵۵ مورخ ۹۱/۹/۲۹ این نظر را پذیرفته است.

تفویت شده، خسارت خود را براساس میزان منافع تحصیل شده ناقض در اثر نقض، مطالبه کند. منافع منتسب به اعمال و اموال ناقض از سود قابل استرداد کسر می‌شود».

۷. منابع

- [1] Attorney General V. Blake [2000] IAC 268. Cited at: Tanya Aplin & Jenifer Davis, Intellectual Property Law, Text, Cases and Materials Oxford, First Edition, New York, 2009.
- [2] Andrew Burrows, the Law of Restitution, 3rd Edition, Oxford University Press, 2002.
- [3] Mykinda Town Ltd v. Soll. Cited at: Mary Arden, Andrew Burrows & Diana Faber.
- [4] A-G v. Blake [2001] 1AC 268. Cited at Andrew Burrows, op. cit.
- [5] Jennifer Davis, Intellectual Property Law, 3rd Edition, New York, Oxford University Press, 2008.
- [6] Forsyth- Grant v. Allen [2008] EWCA CIV 505 See at: Andrew Burrows, op. cit.
- [7] Devenish nutrition ltd v. sanofi- Aventis sa [2008] EWCA CIV 1088 [2009]. Cited at: Andrew Burrows, op. cit.
- [8] Experience Hendrix LLG. V. PPX Enterprises INC [2003]. Cited at: Jennifer Davis, op. cit.
- [9] Mary Arden, Andrew burrows and Diana Faber, Op. Cit, P34. See at: www.justice.gov.uk/law commission.
- [10] FibrosaSpolka a kcyjna v. pairvairn Lawson comb Barbour, ltd [1943] AC 32, 61. Cited at: Andrew Burrows, The Law of Restitution, 3rd Edition and Oxford University press. p. 3. 11. Black's Law Dictionary, 5th, Edition.

- [۱۱] سید حسین صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، استفاده بلاجهت، چ ۲، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- [12] *Sempra metals ltd virc* [2000] UK HL34, [2008] IAC 561, at [116] per lorer Nichols and [230]- [231] per lord Mance. Cited at: Andrew Burrows, op. cit, p. 9.
- [۱۳] //سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح قانونی المدنی الجدید، مصادر الالتزام، المجلد ثانی، بیروت، لبنان، منشورات الحلبي، ۱۹۹۸.
- [14] James Edelman, *Gain- Baised Damages; Contract, Tort, Equity & Intellectual Property*, Hart, Oxford.
- [15] Brayan A. Garner, *Blacks Law Dictionary*, 8th Edition, Mizan Press, Tehran 2005.
- [۱۶] ناصر کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری ج ۲، غصب و استیفاء، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- [۱۷] تورج تقی زاده، بررسی تطبیقی ضمانت اجرای علائم تجاری، رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- [۱۸] مهراب داراب پور، مسؤولیت های خارج از قرارداد، پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
- [۱۹] سید حسین صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، مبنای حقوقی استناد به استفاده بلاجهت با وجود رابطه قراردادی، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- [۲۰] سید مصطفی محقق داماد، جلیل قنواتی، سید حسن وحدتی بشیری، و ابراهیم عبدی پور فرد، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۲، انتشارات سمت، زمستان ۸۹.
- [21] *Peter Pan Manufacturing Corp v. Corsets Silhouette Ltd.* [1963] PRS 45.
Cited at: David I Bain Bridge, op. cit.